

## دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح جلسه ۳، مقدمه، بخش ۳، تفسیر کتاب مقدس ادامه اشعیا ۵۳، رومیان ۳: ۲۵-۲۶، و تاریخ کفاره

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۵ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات بخش مسیح است. این جلسه ۳، مقدمه، بخش ۳، بررسی‌های کتاب مقدس، ادامه اشعیا ۵۳، رومیان ۳: ۲۵-۲۶، و تاریخچه دکترین کفاره است.

ما مطالعات خود را در اشعیا ۵۳ ادامه می‌دهیم و بررسی‌های کتاب مقدس را برای دکترین عهد جدید در مورد کار مسیح، بنده خداوند در اشعیا ۵۳ در نظر می‌گیریم.

من قبلاً واقعاً رنج، طرد شدن و ظلم او را که برداشت‌های اصلی این سرود خدمتگزار هستند، پوشش داده‌ام. معصومیت او، همانطور که در آیه نهم می‌بینیم، این است که او هیچ خشونت مرتکب نشده بود و هیچ فریبی در دهانش نبود. در آیه ۱۱، او عادل، بنده من نامیده می‌شود. مرگ او قربانی گناه بود.

من قبلاً به تصاویر کتاب مقدس اشاره کرده بودم که وقایع کار نجات بخش مسیح را تفسیر می‌کنند. این تصاویر کتاب مقدس، همانطور که انتظار می‌رود، ریشه در عهد عتیق دارند و یکی از تصاویر عهد جدید این است که مسیح هم کاهن است و هم قربانی. در اینجا در اشعیا ۵۳، در آیه ۱۰ جمله‌ای فوق‌العاده داریم، اما اراده خداوند این بود که او را خرد کند، آن بنده خواهد بود، او او را به غم و اندوه انداخته است.

وقتی روح او قربانی گناه را تقدیم می‌کند، فرزندان خود را خواهد دید، عمر خود را طولانی خواهد کرد. آن کلمات آخر از رستاخیز و تعالی عیسی سخن می‌گویند، اما من می‌خواهم روی این موضوع تمرکز کنم: وقتی روح او قربانی گناه را تقدیم می‌کند. این یک قربانی گناه است، مفهوم عهد عتیق از آشام

در اینجا از زبان قربانی استفاده می‌شود، اشام معادل جرم یا قربانی گناه است که برای مرگ بنده رنج کشیده به کار می‌رود. ما این را در لایوان، فصل ۵، آیات ۱۴ تا ۱۹ می‌بینیم. در آنجا می‌خوانیم که خداوند با موسی سخن گفت و گفت: اگر کسی مرتکب خیانت شود و ناخواسته در هر یک از مقدسات خداوند گناه کند، باید به عنوان غرامت، قوچی بی‌عیب از گله، که به مثقال نقره، مطابق مثقال قدس، ارزش گذاری شده باشد، برای قربانی گناه به خداوند بیاورد.

او همچنین باید برای کاری که انجام داده است، یعنی ریختن چیزی در مقدس، غرامت پردازد و یک پنجم آن را اضافه کند و به کاهن بدهد. و کاهن با قوچ قربانی گناه برای او کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. اساساً، این یک تکرار است، اما فقط برای تقویت این ایده‌ها، اگر کسی گناه کند، هر کاری را که طبق فرمان خداوند نباید انجام شود، انجام دهد، اگرچه او آن را نمی‌دانسته، اما سپس متوجه گناه خود می‌شود، از این رو نام قربانی گناه بر او گذاشته شده است، او گناه خود را متحمل خواهد شد.

بی‌عیب از گله یا معادل آن را برای قربانی جبران نزد کاهن بیاورد، و کاهن برای او به خاطر خطایی که ناخواسته مرتکب شده کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. این قربانی جبران است. او در واقع در حضور خداوند مرتکب گناه شده است.

به طرز شگفت‌انگیزی، خدایی که از قربانی انسان متنفر است، در اشعیا ۵۳ و آیه ۱۰ می‌گوید که جان بنده به عنوان آشام، قربانی گناه، تقدیم خواهد شد. حتی شگفت‌انگیزتر، تأثیر این قربانی انسان است. ۱۵ ۵۲ می‌گوید، بنابراین او بر بسیاری از ملت‌ها خواهد پاشید.

بنده به عنوان قربانی خواهد مرد و بر دیگران آب خواهد پاشید. این بدان معناست که مرگ او گناهان آنها را پاک خواهد کرد. اشاره به تطهیر لایوان با خون غیرقابل انکار است.

اشعیا در اینجا پیشگویی می‌کند که بنده خداوند با مرگی فداکارانه و کفاره‌آور خواهد مرد که گناهان را پاک خواهد کرد. در این فصل شگفت‌انگیز از اشعیا مطالب بیشتری وجود دارد. عادل شمردگی بی‌دینان

اشعیا ۵۳:۱۱ شامل موارد زیر است: بنده عادل من به دانش خود بسیاری را عادل خواهد شمرد و گناهان به دانش خود، بنده عادل من، بسیاری را عادل خواهد شمرد و گناهان ESV. آنها را بر خود حمل خواهد کرد آنها را بر خود حمل خواهد کرد. مرگ کفاره دهنده اراده منجر به تبرئه دیگران خواهد شد.

این یک چیز منحصر به فرد در عهد عتیق است. در هر جای دیگر، تا جایی که من می‌دانم، فعل «توجیه کردن» یا «تبرئه کردن»، که به گمان من «صدق» است، برای افراد خداترس استفاده می‌شود. من نمی‌گویم که آموزه‌های عهد عتیق با عهد جدید متفاوت است.

من به طور خاص با کلمات تبرئه کردن یا توجیه کردن کار می‌کنم. بنابراین، در قانون، وظیفه یک قاضی تبرئه کردن بی‌گناه و محکوم کردن گناهکار است. ضرب‌المثل‌ها می‌گویند که انجام عکس این عمل، یعنی تبرئه کردن گناهکار و محکوم کردن بی‌گناه، نزد خداوند مکروه است.

اینجا و هر جای دیگر، خدا قوم صالح خود را تبرئه یا تبرئه می‌کند. دوباره می‌گویم: در آن زمینه‌ها، این رستگاری از طریق اعمال نیست. عهد عتیق فیض رایگان خدا و بخشش گناهان بر اساس فیض خدا و غیره را تعلیم می‌دهد.

من دارم در مورد کلمات صحبت می‌کنم، و ترکیب کلمات اینجا خیلی غیرمعمول است. به طور کلی، خدا قومش را همان چیزی که هستند اعلام می‌کند. در واقع، خداترس

ما این کاربرد عهد عتیق را در یعقوب فصل ۲ می‌بینیم، جایی که خدا قوم صالح خود را تبرئه می‌کند. او آنها را تبرئه می‌کند. منطقی است که یعقوب، یک مسیحی یهودی، از تعریف عهد عتیق برای این موضوع استفاده می‌کند.

پولس یک رادیکال است. پولس چیزی می‌گوید که در ظاهر، رسواکننده است، اینکه خدا گناهکاران را عادل اعلام می‌کند. ما آنقدر به نحوه عملکرد پولس عادت کرده‌ایم که رسوایی را از دست داده‌ایم.

اما در کاربرد عهد عتیق از این زبان، خداوند پارسایان را همان چیزی که هستند، یعنی پارسا، اعلام می‌کند. پارسایان در واقع پارسا هستند. البته دلیل پارسا بودن آنها این است که او آنها را به لطف خود آزادانه نجات داده است.

با این وجود، آنها خداترس هستند و خدا اذعان می‌کند که آنها چنین هستند. تنها در اینجا، در عهد عتیق و در کلمه‌ای برای توجیه کردن در عهد جدید، به کار رفته است. توجیه کردن، dikao ترجمه هفتادگانی، کلمه برای شریکان استفاده می‌شود.

یک بار دیگر. بنده‌ی عادل من، به دانش خود، بسیاری را عادل خواهد شمرد. این به معنای عادل شمردن است.

و او گناهان آنها را بر دوش خواهد کشید. تنها در اینجا در عهد عتیق، کلمه عادل شمردن برای شیران به معنای مثبت استفاده شده است. این پیشینه عهد عتیق برای آموزه رسواکننده پولس در مورد عادل شمردن بی‌دینان توسط خدا است.

ما این را به وضوح در رومیان ۴:۵ می‌بینیم. و برای کسی که عمل نمی‌کند، بلکه به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد ایمان می‌آورد، ایمان او پارسایی محسوب می‌شود. این جمله‌ای تکان‌دهنده است.

ما می‌دانیم که چگونه کار می‌کند. از آنجا که مسیح جای آنها را می‌گیرد، عدالت خدا حفظ می‌شود، و در واقع خدا به درستی بی‌خدایان را صالح اعلام می‌کند. در واقع، این امر اثبات شده است، یا ببخشید که با این جمله شوخی می‌کنم، توجیه شده است.

در بخش دوم، به آیات کتاب مقدس می‌پردازیم، و آن رومیان ۲۵:۳-۲۶ است. اما ما هنوز در اشعیا ۵۳ هستیم، و من از فیض عظیم خدا در شگفتم. از نقشه خدا

اشعیا ۵۳ یکی از قابل توجه‌ترین متون عهد عتیق است. این متن بسیار تکان‌دهنده است. در آیه ۱۰ می‌آموزیم که اراده خداوند این بود که او را له کند و رنج دهد.

و اگرچه خداوند جان او را قربانی گناه قرار می‌دهد، اما اراده خداوند در دست او به انجام خواهد رسید. تمام رنج‌های ناعادلانه بنده صالح، اراده خداست. این اراده خدا بود که بنده خداوند را رنج دهد.

در حکمت خدا، رنج‌های بنده‌ی خداوند وسیله‌ی برکت برای دیگران است. فقط برای تأکید بر یک نکته، و آن هم، باز هم، مضمون پیروزی است. من شش تصویر اصلی از کار نجات‌بخش مسیح را در عهد جدید می‌بینم.

ما قبلاً در اشعیا ۵۳ قربانی را دیده‌ایم. کلمه، ایده عادل شمردگی، و بنده‌ای که گناهان عادل شمرد شده‌اند را به دوش می‌کشد، در پایان آیه ۱۱ اشعیا ۵۳، بسیار نزدیک به تصویر حقوقی و کیفری در عهد جدید است. اما مضمون پیروزی یا موتیف مسیح در اشعیا ۵۳ آمده است.

مرگ بنده رنج‌کشیده با پیروزی همراه است. ۵۳:۱۰ می‌گوید که چگونه، اگرچه خداوند زندگی بنده را قربانی می‌کند، اما فرزندان او را خواهد دید و روزهایش را طولانی خواهد کرد. در اینجا پیش‌بینی زندگی بنده پس از مرگش آمده است.

او فرزندان روحانی خواهد داشت و خداوند روزهای او را طولانی خواهد کرد. من از عمق آموزه‌های مربوط به کار نجات‌بخش پروردگاران در این پیشگویی عهد عتیق شگفت‌زده‌ام. اشعیا ۱۲:۵۳ از زبان پیروزی برای توصیف نتایج مرگ بنده استفاده می‌کند.

بنابراین، او را در میان بزرگان نصیبی خواهیم داد و غنیمت را با زورمندان تقسیم خواهد کرد، زیرا جان خود را تا پای مرگ ریخت و از خطاکاران شمرد شده شد. این زبان مجازی است که از بنده و کسانی که به آنها کمک می‌کند در حال لذت بردن از پیروزی خدا سخن می‌گوید. این زبان از خداوند می‌گوید که بنده‌اش را پس از مرگ سرافراز می‌کند.

در اشعیا ۵۲:۱۳ نیز زبانی ستایش آمیز وجود دارد. بنده من عاقلانه عمل خواهد کرد. بنده من عاقلانه عمل خواهد کرد.

او بلند و متعالی خواهد شد. یک بار دیگر، این را می‌گویم. رنج وحشتناک بنده در دو انتها، ۵۲:۱۳ و ۵۳:۱۲ به ویژه ابتدای آن آیه، با زبان پیروزی و جلال هم‌مرز است، که بسیار با الگوی عهد جدید از رنج‌های مسیح و جلال‌هایی که به دنبال آن خواهد آمد، مطابقت دارد.

علاوه بر این، در این سرود عبری یهودی، کاربرد جهانی کار خادم وجود دارد. همانطور که دیده‌ایم، اشعیا با عبارات قربانی‌گونه صحبت می‌کند، وقتی می‌گوید که خادم خداوند بر بسیاری از ملت‌ها آب ۵۲:۱۵ خواهد پاشید و پادشاهان به خاطر او دهان خود را خواهند بست. این آیه با عبارات جهانی صحبت می‌کند.

در اینجا پیشگویی یک پیامبر یهودی برای اسرائیل آمده است که پیش‌بینی می‌کند عواقب کار این بنده، جهانی خواهد بود. بار دیگر، ما در برابر شگفتی‌های کلام خدا سر تعظیم فرود می‌آوریم. در اینجا پیش‌بینی‌ای از کار مسیح که به نفع غیریهودیان خواهد بود، آمده است.

بنابراین، اشعیا ۵۲:۱۳ تا ۵۳:۱۲ پیشگویی شگفت‌انگیزی از کار نجات‌بخش مسیح است. این کتاب شامل جنبه‌های بسیاری از کار مسیح است که در عهد جدید به شکل بذر توسعه یافته‌اند. جای تعجب نیست که اغلب در عهد جدید به آن اشاره می‌شود.

اشاره به اشعیا ۵۳ در عهد جدید را فهرست کرده است. ویرایش ۴۱، UBS نسخه دوم عهد جدید یونانی بعدی عهد جدید یونانی انجمن متحد کتاب مقدس بسیار سختگیرانه‌تر بود و فقط سعی کرد پیش‌بینی‌ها را به جای اشاره‌ها، نقل قول‌ها را به جای کنایه‌ها فهرست کند و این تعداد به میزان زیادی کاهش یافت. اما هر دو ارزشمند هستند.

من بیش از ۴۰ اشاره به این فصل دارم. یعنی تأثیر زیادی بر عهد جدید داشته است. اشعیا ۵۳ شامل موارد دیگری نیز هست.

اعداد عبری را به خوبی ESV بگذارید فقط یک یا دو پیشنهاد بدهم. آیه ۹ کاملاً قابل توجه است، و نسخه در زمان ESV منتقل و ترجمه می‌کند. آنها قبر او را با گناهکاران ساختند، و این کلمه جمع است، و طبق مرگش با یک مرد ثروتمند.

اگرچه او هیچ خشونتی مرتکب نشده بود و هیچ فریبی در دهانش نبود، اما عیسی بین دو دزد مصلوب شد. آیا این همان چیزی است که اشعیا پیشگویی می‌کند وقتی می‌گوید که او قبر خود را با مردان شرور ساخت؟ و البته او در مقبره یوسف رامه دفن شد. آیا منظور از مرد ثروتمند در مرگ او همین است؟ این بسیار الهام‌بخش است و این به طرز چشمگیری با داستان کتاب مقدس مطابقت دارد، همانطور که آشکار می‌شود.

صدای دیگر از باب ۳ رومیان است که بسیاری آن را مهمترین متن عهد جدید در مورد کار، در مورد کفاره، به ویژه مسیح، نامیده‌اند. مطمئناً، رومیان یک نامه کلیدی عهد جدید، کلیدی برای اندیشه پولس است، و در اینجا در یک فصل بسیار مهم در مورد کفاره، ما متنی داریم که غنی، حیاتی برای استدلال رومیان، غنی، با این وجود مورد بحث است. رومیان ۳: ۲۱، اما اکنون عدالت خدا جدا از شریعت آشکار شده است، اگرچه شریعت و پیامبران به آن گواهی می‌دهند.

عدالت خدا جدا از شریعت، یعنی جدا از رعایت شریعت، جدا از عدالت انسانی آشکار شده است، اگرچه شریعت و پیامبران، یعنی عهد عتیق، بر آن شهادت می‌دهند. عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح برای

همه کسانی که ایمان می‌آورند، زیرا هیچ تمایزی وجود ندارد زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند، و کسانی که ایمان می‌آورند، این یک حذف است، به فیض او به عنوان هدیه‌ای از طریق رستگاری که در مسیح عیسی است، عادل شمرده می‌شوند، که خدا او را به عنوان کفاره‌ای با خون خود معرفی کرد تا از طریق ایمان دریافت شود. این برای نشان دادن عدالت خدا بود زیرا در تحمل الهی خود از گناهان پیشین گذشت کرده بود.

این برای نشان دادن عدالت او در زمان حال بود تا او عادل باشد و کسی را که به عیسی ایمان دارد، عادل بشمارد. عهد جدید چهار بار از زبانی استفاده می‌کند که به طور سنتی به عنوان کفاره یا فرونشاندن گناه ترجمه شده بود، در اینجا در رومیان ۳:۲۵ و همراه با آن در عبرانیان ۲:۱۷، اول یوحنا ۲:۲ و اول یوحنا ۴:۱۰. *helasmos*، این مهمترین بخش از چهار بخش است و معمولاً وقتی کسی به معنای گروه کلمات ۴:۱۰. *helasterion*، *helaskestai*، مرگ *helasterion*، ابتدا در یک مقاله و بعداً در CH Dodd پسرش که بار آن خشم را بر دوش کشید، می‌پردازد، به ویژه توسط کتابش، در کتابش «کتاب مقدس و یونانیان» به چالش کشیده شد.

داد، به ویژه با استفاده از عهد عتیق یونانی، سپتواجینت، گفت که مفهوم کفاره یک مفهوم بت‌پرستانه است، این مفهوم به الهیات مسیحی تعلق ندارد، بنابراین رومیان ۳:۲۵ باید نه کفاره، بلکه کفاره ترجمه شود. نباید ایده‌ی ۲۵ وجود داشته باشد، که خدا او را به عنوان کفاره با خون خود به جای کفاره مطرح کرد.

این یک تصور بت‌پرستانه از یک خدای خونخوار است که یک پوند گوشت خود را طلب می‌کند و از این قبیل چیزها داد ادعا می‌کرد که آن قسمت‌هایی از عهد عتیق را که از آن گروه کلمات مشابه استفاده می‌کنند مطالعه کرده و در آن زمینه‌ها کلمه خشم را پیدا نکرده است. متأسفانه، کار او چنان تأثیرگذار بود که بسیاری از او پیروی کردند.

زمانی بود که متکلمان باید زبان‌های کتاب مقدس را می‌دانستند. در برنامه دکترای خودم، زمانی بود که برای کار در آن برنامه، باید عبری و یونانی کتاب مقدس را می‌دانستید. زمانی که من به آنجا رسیدم، شما این زبان‌ها را نمی‌دانستید.

خوب بود اگر یونانی می‌دانستی، اما مطمئناً مسئول هیچ عبری نبود، و بنابراین اتفاقی که افتاد این است، و داد، من از نیت یا شخصیت او انتقاد نمی‌کنم، اما کار او بر بسیاری دیگر تأثیر گذاشت، نگفتم فریب داد، بر آنها تأثیر گذاشت و بنابراین مرسوم شد که بگوییم این متن کفاره را آموزش می‌دهد و نه دلجویی را. بگذارید واضح بگویم: مرگ عیسی هر دو را محقق کرد. مسئله این نیست.

مرگ او مطمئناً کفاره را به انجام رساند. کفاره به معنای محو گناهان است. تفاوت بین کفاره و آمرزش، جهتی است که مرگ مسیح به آن اشاره دارد.

در کفاره، به سوی گناهکاران نشانه گرفته می‌شود و گناهان و خطاهای آنها از نظر خدا دور می‌شود و فرد بخشیده می‌شود. در فرونشاندن گناه، جهت به سوی خود خداست. به ویژه، شخصیت یا عدالت خود خدا فرونشاندن یا ارضا می‌شود.

اینکه کتاب مقدس از کار مسیح به عنوان کفاره سخن می‌گوید، واضح است. عبرانیان ۹:۲۵-۲۶. همچنین قربانی مسیح، و همچنین نقش او این نبود که خود را بارها و بارها تقدیم کند، همانطور که کاهن اعظم هر ساله با خون خود وارد اماکن مقدس می‌شود، زیرا در آن صورت عیسی از زمان بنیان جهان بارها و بارها رنج می‌کشید، اما همانطور که هست، او یک بار برای همیشه ظاهر شده است، منظور زمان است، در پایان اعصار تا با قربانی کردن خود، گناه را از بین ببرد.

عبرانیان ۹:۲۶. بنابراین من مخالف این ایده نیستم که کفار عیسی، کفار گناهان را کامل می‌کند. در واقع همینطور است.

من دارم استدلال می‌کنم که در این مکان و آن سه مکان دیگر، عبرانیان ۲ و حالا در مورد آن یکی مطمئن نیستم، شاید ۱۳ نه، منظور عبرانیان ۲:۱۷، اول یوحنا ۲:۲، اول یوحنا ۴:۱۰ و عبرانیان ۲:۱۷ است که معنی در این مکان‌ها کفار است و نه صرفاً کفار. چرا این را می‌گویید؟ به دو دلیل. اول، زمینه بزرگتر رومیان که به رومیان ۳:۲۱ و بعد از آن منتهی می‌شود.

دوم، خود کلمات پیرامون رومیان ۳:۲۵. پس از اعلام هدف رومیان در رومیان ۱:۱۶ و ۱۷، متن کاملاً واضح است. پولس می‌گوید: «من از انجیل خجل نیستم، زیرا قدرت خداست برای نجات هر کسی که ایمان آورد، اول برای یهودیان و سپس برای یونانیان، زیرا در انجیل، عدالت خدا از ایمان برای ایمان آشکار می‌شود همانطور که نوشته شده است:» صالحان به ایمان زیست خواهند کرد. «در اینجا، پولس مزده را پیام عدالت نجات‌بخش خدا برای همه کسانی که ایمان می‌آورند، می‌نامد.

با این حال، در آیه بعدی، گوپی او کلمه عدالت را برداشته و کلمه خشم را جایگزین آن کرده است، زیرا می‌گوید خشم خدا از آسمان علیه همه بی‌دینی‌ها و بی‌عدالتی‌های انسان‌هایی که با بی‌عدالتی خود حقیقت را سرکوب می‌کنند، نازل می‌شود و او به کار خود ادامه می‌دهد و بنابراین پس از اعلام موضوع خود در رومیان ۱ و ۱۷، به نظر نمی‌رسد که بلافاصله موضوع آشکارسازی عدالت نجات‌بخش خدا را در موعظه رسولی ۱۶، صلیب دنبال کند، بلکه در عوض، موضوع آشکارسازی خشم خدا را دنبال می‌کند. همانطور که لوتر گفت است. لوتر در اینجا کلمه‌ای ابداع می‌کند که می‌گوید euangelion این خبر خوش ۱:۱۶ و ۱۷ به یونانی خبر بد، قابل درک است، kakangelion فقط با توجه به

لوتر قطعاً بحث‌برانگیز است، اما او یک سخنور فوق‌العاده است. شکی در این نیست، و بنابراین موضوع عدالت نجات‌بخش خدا در رومیان ۱:۱۶-۱۷ اعلام می‌شود. ۱:۱۸ به جای عدالت محکوم‌کننده او، درباره خشم خدا صحبت می‌کند، و این تا ۳:۲۱ پابرجاست، که در آن زمان گوپی پولس در ۳:۲۱ خشم را برمی‌دارد و عدالت را بازمی‌گرداند، اما اکنون عدالت خدا جدا از شریعت آشکار شده است. کلمه متفاوتی برای آشکار شدن است، اما ایده کلی یکسان است.

در این میان، پولس کسانی را که شریعت ندارند و یهودیان را به زانو در می‌آورد. او در آیه ۳:۹ خلاصه می‌کند که پس چه؟ آیا ما یهودیان وضعیت بهتری داریم؟ نه، به هیچ وجه. ما قبلاً ادعا کرده‌ایم که همه، چه یهودیان و چه یونانیان، همگی تحت گناه هستند.

همانطور که نوشته شده است، هیچ‌کس عادل نیست، هیچ‌کس. او مدام نقل قول‌هایی از عهد عتیق، به‌ویژه مزامیر، می‌آورد. پاهای آنها، آیه ۱۵، برای ریختن خون سریع است.

در راه‌هایشان تباهی و گمراهی است. راه صلح را نشناخته‌اند. ترس خدا در چشمانشان نیست.

او خلاصه می‌کند. اکنون می‌دانیم که هر آنچه شریعت می‌گوید، خطاب به کسانی است که زیر شریعت هستند تا هر دهانی بسته شود و تمام جهان در برابر خدا پاسخگو باشد. زیرا با اعمال شریعت، هیچ بشری در نظر او عادل شمرده نخواهد شد، زیرا از طریق شریعت، شناخت گناه حاصل می‌شود.

در اینجا پولس به هدف خود رسیده است. او خبر بد را به طور کامل توضیح داده است. خشم خدا از آسمان علیه شورشیان نازل شده است.

اکنون، در ۳:۲۱، او به مضمون اعلام شده‌اش در ۱۶:۱-۱۷ باز می‌گردد. اما اکنون، عدالت خدا در موعظه رسولان آشکار شده است، جدا از رعایت شریعت از شریعت، اگرچه البته عهد عتیق به آن گواهی داده است. حتی عدالت خدا از طریق ایمان به مسیح عیسی برای همه کسانی که ایمان می‌آورند.

ایمان در عادل‌شمردگی آنقدر مهم است که پولس نه تنها در رومیان ۱۶:۱-۱۷ چندین بار در بیان موضوعی به آن اشاره می‌کند، بلکه به محض اینکه به موضوع خود برمی‌گردد، دوباره آن را می‌گوید و تکرار می‌کند. این پارسایی نه با عمل، بلکه با ایمان برای همه کسانی که ایمان می‌آورند، به دست می‌آید، زیرا هیچ تمایزی وجود ندارد.

یعنی، همه باید ایمان بیاورند. زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند. پولس در اینجا زمان‌ها را تغییر می‌دهد و من فراموش کردم که آیا این را از داگ مو یا تام شراینر گرفته‌ام، اما موافقم. آنها با من موافقت

من مستقلاً به آن فکر کردم. آنها قبل از من نوشتند، اما من قبل از خواندن آنها به آن فکر کردم که زمان ماضی، برای همه گناه کرده‌اند، از گناه اولیه آدم و قاصر بودن از جلال خدا صحبت می‌کند؛ زمان حال، از گناهان واقعی انسان‌ها، که ما آنها را می‌نامیم، صحبت می‌کند. و آنها عادل شمرده می‌شوند، یعنی ایمانداران پس از پرانتز کوچک کناری آیات ۲۲ب تا ۲۳، برای همه کسانی که ایمان می‌آورند، ۲۲الف، ۲۴، و به فیض او. به عنوان یک هدیه عادل شمرده می‌شوند.

و سپس پولس دو مضمون کفار، دو تصویر از کفار را مطرح می‌کند. او به سادگی به یکی از آنها، یعنی از طریق رستگاری که در مسیح عیسی است، اشاره می‌کند. او در اینجا آن را توضیح نمی‌دهد.

بعداً خواهیم دید که رستگاری شامل یک حالت اسارت، پرداخت بها، مرگ مسیح، حالت آزادی حاصل از آن، آزادی پسران و دختران خدای زنده و مالکیت جدید است. ما از بردگی گناه و نفس، و حتی شیطان، اگر بخواهید، فرزندان شیطان، به گفته اول یوحنا، به برده بودن، در واقع آزادترین برده‌های خدا، رسیدیم. اما پولس فقط به رستگاری اشاره می‌کند.

او اینجا بحث را باز نمی‌کند، اما به بخشش گناهان اشاره می‌کند. این متن کلاسیک، متن کلاسیک برای آموزه بخشش گناهان است. او بار دیگر می‌گوید که رستگاری که در مسیح عیسی است، کسی که خدا او را به عنوان یک هیلاستریون، یا کفار یا بخشش گناهان، با خون خود معرفی کرد، باید از طریق ایمان دریافت شود.

این، چرا این کار را کردی؟ اما چرا خدا این کار را کرد؟ این برای نشان دادن حق خود، عدالت خدا بود، زیرا در بردباری الهی خود، از گناهان پیشین گذشت کرده بود. این به چه معناست؟ یعنی در دوران عهد عتیق، خدا تصاویری از کفار در حیوان، در سیستم قربانی، قرار دادن دست‌ها، دست‌ها روی سر حیوان، اعتراف به گناهان، قربانی کاهنان، سخنان کاهنان برای بخشش، ارائه داد، این تصویری از انجیل است. و بنی‌اسرائیلی‌هایی که ایمان آوردند و فقط به صورت سرسری عمل نکردند، بخشیده شدند.

بر اساس خون گاوها و بزها، بله و خیر. این وسیله‌ای بود که خدا مقدر کرده بود، اما در نهایت نه. در نهایت این از پیش نشان می‌داد که به کار مسیح چشم دوخته است، که همانطور که قبلاً گفتم، بسیار مؤثر است و مردم را قبل از انجام عمل نجات می‌دهد.

قبل از مرگ عیسی در سال 30 میلادی، مردم از دیدگاه خدا، بر اساس کار مسیح، بخشیده شدند، اما آینده بنابراین، در این رابطه، خدا در بردباری الهی خود بردبار بود. این کلمه به معنای رأفت است.

او از گناهان پیشین گذشت. یعنی، عبادت‌کنندگان را آنطور که شایسته بودند مجازات نکرد. او انجیل را در سیستم قربانی و جایگزین قربانی حیوانی پذیرفت و خدا واقعاً بخشید، اما این حس وجود دارد که عدالت واقعاً اجرا نشد.

بنابراین، خدا، هر بار که او بخشید، و من از همکاران عهد عتیق در چند مدرسه مختلف پرسیده‌ام، چند قربانی در عهد عتیق وجود داشته است؟ چند حیوان؟ تعداد آنها به میلیون‌ها می‌رسد. مطمئناً می‌گویند بیش از یک میلیون، که باورنکردنی است، پس آن یک قربانی، که به ویژه در عبرانیان بر آن تأکید شده است، تنها قربانی مسیح از همه زمان‌ها، نه تنها به آنها کاری می‌بخشد، بلکه آنها را به طور کامل متوقف می‌کند. همین

شگفت‌انگیز است. اما خدا برای خودش بدهی نوشت. کالوین گفت که گاوهای نر و بزهای کره‌ای به طور بدوی انجیل را به شکلی بدبو به تصویر کشیده‌اند.

او دین عهد عتیق را که به عنوان حقیقت به آن دلخوش بود، از این نظر دینی متعفن خواند. خدا برای خود پیمان‌هایی نوشت، و مشتاقانه منتظر کسی بود که یحیی او را بره خدا می‌نامد، کسی که گناهان جهان را با ریختن خون خود، یعنی با مرگ خشونت‌آمیزش بر روی صلیب، از بین خواهد برد. کار مسیح نمایشی عمومی از عدالت خدا بود.

خداوند با مصلوب کردن پسرش، شخصیت خود را در این صحنه اثبات کرد. این کار برای نشان دادن عدالت خداوند بود، زیرا گذشت او از گناهان سابقش، بردباری الهی بود. این کار برای نشان دادن عدالت او در زمان حال، در برابر گناهان سابق، در زمان حال بود، تا او عادل باشد و کسی را که به عیسی ایمان دارد، عادل بشمارد.

در ضرورت کفاره مشکلی وجود داشت، اما این چیزی نیست که مدرن‌ها و پست‌مدرن‌ها فکر می‌کنند. آنها فکر می‌کنند، چگونه یک خدای مهربان می‌تواند کسی را قضاوت کند؟ فقط سه فصل از کتاب مقدس یا سه فصل از رومیان را بخوانید. یک خدای مهربان و مقدس می‌تواند جهان را محکوم کند.

مشکل کتاب مقدس این است که چگونه یک خدای مهربان، مقدس و عادل می‌تواند تقدس و عدالت خود را حفظ کند و کسی را نجات دهد؟ او دوباره آن تصاویر انجیل را در سیستم قربانی ارائه داد، اما در نهایت، خون گاوها و بزها و بره‌ها کارساز نبود. اما خون پسرش این کار را کرد. به طرز شگفت‌آوری، همانطور که اشعیا پیش‌بینی کرده بود، خدا پسرش را به عنوان قربانی گناه معرفی کرد.

پدر، پسر را به مجازاتی که قوم خدا سزاوار آن بودند، مجازات کرد. ما سزاوار خشم او بودیم. مسیح به جای ما قدم می‌گذارد و همانطور که او صاعقه لعنت را در وجود مبارک و بی‌گناه خود دریافت می‌کند، ما بخشش و حیات جاودان را دریافت می‌کنیم.

بنابراین، در تصویر کلی از مسائل، سوال این است که تمام آن خشم از ۱:۱۸ تا ۳:۲۰ و ۵:۱ برانگیخته شده است. از آنجایی که ما به ایمان عادل شمرده شده‌ایم، از طریق خداوندمان عیسی مسیح با خدا صلح داریم. این از کجا آمده است؟ یا رومیان ۳:۲۵-۲۶ به ما می‌گوید که از کجا آمده است. ما به این دلیل صلح داریم که مسیح خشم خدا را بر خود گرفت، یا پولس نمی‌گوید.

بنابراین، همانطور که لئون موریس استدلال کرده است، همانطور که راجر نیکول استدلال کرده است، زمینه بزرگ به نفع [موضوع] است، و بهترین از همه، نوشته دی. ای. کارسون در فصلی از کتاب به نام «شکوه کفاره»، یک یادداشت، یک نوشته تجلی برای راجر نیکول است. راجر مقاله‌ای در وست‌مینستر ژورنال نوشت. خیلی خوب بود.

همانطور که گفتم، لئون موریس در کتاب «موعظه رسولان بر روی صلیب» چنان متقاعدکننده بود که افرادی مانند سی.ای.بی. کرانفیلد و تونی تیستلتون و دیگر محققانی را که نیازی به پیروی همیشگی از خط محافظه کاران احساس نمی کنند، اما با دانش برتر موریس متقاعد شده بودند، متقاعد کرد. در این مورد، با مطالعه همان قسمت‌های سپتواجینت، و در بسیاری از آن زمینه‌ها، خشم وجود داشت. به علاوه، نه تنها جریان اصلی استدلال رومیان، نه تنها در رومیان ۳:۲۵ از دلجویی حمایت می کند، بلکه همانطور که نشان دادم، زمینه اصلی نیز چنین است.

این پدر نیست که پارسایی خود را صرفاً در کفاره نشان می دهد، بلکه او پارسایی خود را در آشکار کردن پسرش موافقم. این مسیح ESV به عنوان اجابت خواسته‌های مقدس و عادلانه‌ی خدا نشان می دهد. بنابراین من با عیسی بود، آیه‌ی ۲۴ از رومیان ۳، مسیح عیسی که خدا او را به عنوان کفاره با خونس معرفی کرد.

این برای نشان دادن عدالت خدا در زمان حال بود تا او عادل باشد و کسی را که به عیسی ایمان دارد، عادل گرداند. این یک چیز باورنکردنی است. پست‌ترین گناهکاری که واقعاً توبه کند و به عیسی ایمان آورد، در پیشگاه خدای مقدس و عادل، عادل اعلام می شود.

من با احترام صحبت می کنم. خدا باید آن شخص را عادل اعلام کند. او توسط هیچ نیروی خارجی یا چیزی من شبیه به آن محدود نشده است.

او توسط شخصیت خودش مجبور شده است. همان شخصیتی که خواستار مجازات گناه بود، همان شخصیتی که کفاره را راه بخشش می دانست، همان شخصیتی است که هر کسی را که به عیسی ایمان دارد تبرئه یا توجیه می کند. من شنیده‌ام که کشیش من در مورد مردی صحبت می کرد که از خدا برای دو نفری که می توانستند او را ببخشند، تشکر نکرد.

این یارو خدا را شکر نکرد، که می توانست او را ببخشد. او ساعت‌ها با شلوارک روی زمین سرد گاراژش زانو زده بود، برای همین زانوهایش درد می کرد. هوا سرد بود.

او رنج می کشید، از خدا طلب بخشش می کرد، و احساس بخشش نمی کرد. کشیش در حالی که روی نیمکت کلیسا نشسته بود، از طریق رومیان، مفهوم کفاره و پیشنهاد رایگان فیض و بخشش خدا در انجیل، راه خود را توضیح داد. مرد متوجه شد. روح القدس کار مسیح را در او به کار برد.

او ایمان آورد و دیگر برای بخشش در گاراژ خود زانو نزد. کار عیسی بخشش و حیات جاودان را برای همه مؤمنان به ارمغان آورده است، و کار او چیزهای زیادی از جمله کفاره است. کار او متوجه گناهان است و آنها را برای همیشه در پیشگاه خدای مقدس پاک می کند.

کار او همچنین عدالت خدا را فرو می نشاند و او را قادر می سازد تا شرافت اخلاقی خود را حفظ کند و هر کسی را که صادقانه از طریق او به سوی عیسی می آید، بپذیرد. ما به تاریخ آموزه کفاره می پردازیم و یک سوال خوب می پرسیم. چرا باید الهیات تاریخی را مطالعه کنیم؟ آیا کتاب مقدس کافی نیست؟ به سختی می توان گفت که کتاب مقدس کافی نیست.

کتاب مقدس نکته اصلی است و در نهایت، داور است، اما آیا واقعاً می خواهیم خودمان را فقط به خرد خودمان محدود کنیم؟ آیا واقعاً می خواهیم خودمان را از خرد اعصاب به روی مردان و زنانی بسیار باهوش تر و خداترس تر از خودمان ببندیم؟ من اینطور فکر نمی کنم. این یک ایده احمقانه خواهد بود و بنابراین من چیزی را دیده‌ام که به آن کتاب مقدس می گویند. اینطور پیش می رود، او، من به هیچ کمک دیگری نیاز ندارم.

من فقط می‌خواهم خودم کتاب مقدس را مطالعه کنم. من در روح القدس هستم و کلام خالص را بدون هیچ گونه آلودگی انسانی دریافت خواهم کرد. فقط یک مشکل در این مورد وجود دارد.

کسی که این را می‌گوید، انسانی است که مانند بقیه ما آلوده شده است. پس چقدر بهتر است که او کتاب مقدس را با دیگران در یک محیط کلیسایی با رهبران منصوب خدا که خدا آنها را برای رهبری و آموزش و نه تنها این، بلکه برای بهره بردن از حکمت اعصار نیز عطا کرده است، مطالعه کند؟ من در بررسی تاریخ آموزه کفاره، سعی نمی‌کنم یک نمونه کامل پیدا کنم که در هر نکته با او موافق باشیم.

چنین شخصی وجود ندارد. ما نقاط قوت و اشتباهات را خواهیم دید. ما گرایش‌ها را خواهیم دید.

«می‌خواهم در جایی که شایسته‌ی تقدیر است، از آن تقدیر کنم. همانطور که قبلاً اشاره کردم، از کتاب *کفاره‌ی مرگ مسیح «نوشته‌ی/چ»* درموت مک‌دونالد چیزهای زیادی آموخته‌ام. آن بخش تاریخی واقعاً فوق‌العاده است و الهیات سیستماتیک آنتونی سی. تیستلتون، تونی تیستلتون

او یک انجیلی بریتانیایی است، البته نه همیشه به اندازه من محافظه‌کار، اما می‌توانم چیزهای زیادی از او یاد بگیرم. او عاشق خداوند است و مطمئناً در بافت انگلیکان بریتانیایی خود یک انجیلی است. ما می‌خواهیم در مورد کلیسای اولیه، به ویژه در غرب، و همچنین در حال حاضر تا حدودی در شرق، فکر کنیم. سپس می‌خواهیم در مورد کلیسای اولیه در شرق فکر کنیم.

می‌خواهیم به قرون وسطی و آموزه‌های معروف آنسلم و سپس آبلارد برویم که به شدت با او مخالف بودند. اصلاحات ما را به لوتر و کالوین می‌رساند، به عنوان واکنش‌های واقعاً نمادین و فوری سوسینوس که تقریباً هر آنچه لوتر و کالوین آموخته بودند را رد می‌کرد و سپس گروتیوس یا گروتیوس با دیدگاه حکومتی سعی می‌کرد راهی از طریق واسطه در این بین ایجاد کند و واقعاً به اندازه سوسینوس که یک بدعت‌گذار بود اما از بسیاری جهات نیز شکست خورد، احساس بدی نداشت. در دوره مدرن، ما فقط به چند چهره مهم اشاره خواهیم کرد: پدر الهیات مدرن، فریدریش شلایرماخر، آلبرت ریچل، یک معلم بسیار تأثیرگذار قرن نوزدهم، گوستاو آلن با کتاب مسیح ویکتور، آن کتاب مهم، و سپس یک متکلم آلمانی به نام ولفهارت پانبرگ که تنها چند سال پیش درگذشت.

حتی قبل از اینکه به این برسیم، این در غرب است. پدران رسولی افرادی بودند که زندگی می‌کردند و می‌توانستند رسولان را بشناسند. من یک فارغ‌التحصیل ساده‌لوح از یک مدرسه علمیه بودم که در تفسیر خوب کار می‌کردم اما در تاریخ کلیسا خیلی خوب نبودم. آنها در برنامه درسی جای زیادی برای الهیات تاریخی نداشتند. من وارد یک برنامه دکترای شدم و ساده‌لوحانه فکر کردم، اوه، پدران رسولی، این افراد رسولان را می‌شناختند؛ این عالی خواهد بود، این فوق‌العاده خواهد بود. و اکنون به یاد اولین کتاب متکلم مشهور اسکاتلندی، توماس تورنس، به نام «آموزه فیض و پدران رسولی «صی/اقتم» ، و تز او این بود که هیچ [کتابی] وجود ندارد.

واقعاً ترسناک بود؛ انگار پولس به قله، به یک کوه بزرگ، رسیده بود و ناگهان، در دره بود، و مردم دوباره راه رفتن را یاد می‌گرفتند. تقریباً به رستگاری و غیره می‌رسید، واقعاً ترسناک بود، خدای من. انصافاً، ممکن است اسنادی وجود داشته باشد که ما نداریم، و همچنین، انصافاً، آنها کارهایی مثل جاخالی دادن از شیرها انجام می‌دادند، بنابراین آنها حتی وقت کافی برای فکر کردن و مطالعه قانونی برای انجام چنین الهیاتی را نداشتند.

اما ما در رساله به دیوگنتوس، اواسط قرن دوم، یک گوهر داریم، اثری ناشناس به دیوگنتوس، و نمی‌دانیم از چه کسی. این اثر بر مرگ عیسی بر روی صلیب، به وضوح برای بخشش گناهان، تأکید می‌کند؛ این همه چیز

خوب است، نه عمیق اما خوب، در یک عبارت به حق مشهور. این به سادگی یک گوهر است. نمی‌دانم از کجا آمده، اما فوق‌العاده است.

اگر همه آنها این نوع چیزها را می‌گفتند، چیزی که من یک دقیقه پیش گفتم درست نمی‌بود، و تورنس از آموزه فراوان فیض و پدران رسولی می‌گفت. نویسنده می‌پرسد، نقل قول می‌کنم، چه چیز دیگری می‌تواند گناهان ما را بپوشاند جز پارسایی مسیح؟ در چه کسی برای ما گناهکاران ممکن بود که پارسا شمرده شویم، جز فقط در پسر خدا؟ آه، چه مبادله شیرین و مزایای غیرمنتظره‌ای، که شرارت بسیاری در کسی که پارسا بود پنهان شود و پارسایی یک نفر، بسیاری از ستمکاران را تبرئه می‌کند. متأسفانه، گوهر چنین نیست؛ تقریباً به خودی خود وجود دارد.

یک بار دیگر، می‌توانیم به پدرانمان که به خاطر انجیل جان باختند، احترام بگذاریم، حتی اگر آنها برای ما تفکر عمیقی به جا نگذاشته‌اند. ایرنائوس، ۱۳۰ تا ۲۰۲ میلادی، به عنوان اولین متکلم واقعی مسیحی شناخته می‌شود. او به خاطر آموزه‌ی تکرارپذیری‌اش مشهور است.

ایرنائوس اهل لیون، متکلم برجسته کلیسا در قرن دوم، سنت رسولی را ادامه داد. او با اطمینان از این سنت که آن را قاعده ایمان می‌نامید، دفاع کرد. او همچنین از این باور که ایمان رسولی بر اساس وحی از جانب خدا دفاع کرد. به رسولان بنا شده است، دفاع کرد.

ایرنائوس جنبه‌ی متمایزی را اضافه کرد که آن را نیز به آموزه‌های رسولان وفادار می‌دانست. او اعلام کرد، نقل قول از او، پسر خدا، هنگامی که تجسم یافت و انسان شد، سلسله‌ی طولانی انسان‌ها را از نو آغاز کرد و ما را به رستگاری رساند، تا آنچه را که در آدم از دست داده بودیم، یعنی مطابق تصویر و شباهت خدا بودن، در مسیح بازیابی کنیم. این آموزه‌ی معروف او در مورد تکرار است.

او در جای دیگری نوشت، در مسیح تمامی کمال الوهیت ساکن است. این کولسیان ۲ است. و باز هم، همه چیز توسط خدا در مسیح جمع شده است. این افسسیان ۱ است. واضح است که کل فصل نوشته اولیه ایرنائوس با عنوان «علیه بدعت‌ها»، در آنجا، در حال ستایش خداست و بارها و بارها از متون کتاب مقدس نقل قول می‌کند.

تا همه چیز را در او متحد، ESV، در افسسیان ۱:۱۰، پولس می‌نویسد، تا همه چیز را در او، مسیح، جمع کند. کند. بنابراین، تکرار یا آنانسفالی بر اساس تفکر کتاب مقدس و پولس است.

این شبیه یکی از مضامین کفاره من است. من متوجه شده‌ام که این مضمونی است که قوم خدا کمتر از همه می‌شناسند، و در اینجا است که مسیح، به ویژه توسط پولس، به عنوان آدم دوم و خالق خلقت جدید، آورنده به معنای جمع‌بندی، خلاصه، anencephalosis، خلقت جدید خدا به تصویر کشیده می‌شود. آن فعل کردن، گرد هم آوردن همه چیز است.

باز هم، اشاره ویژه‌ای به افسسیان ۱:۱۰ دارد. به گفته ایرنائوس، اشاره به آدم، از مفهوم تکرار سرنوشت بد، ما در آدم با خلقتی جدید در مسیح پشتیبانی می‌کند. این ریشه در مضمون ارتدکس شرقی دارد. در غرب مضمون غالب اولیه، تا قرون وسطی، در واقع، دیدگاه باج دادن به شیطان بود.

آنسلم با گفتن اینکه «مسئله این نیست» کار شگفت‌انگیزی کرد. خدای مهربان چیزی جز یک ضربه سریع و محکم به شیطان بدهکار نبود. او هیچ باجی به او بدهکار نبود.

اما آن غالب بود. در شرق، آنچه که به آن خداانگاری یا تثوسیس می‌گویند غالب بود. درک این موضوع برای ما دشوار است.

اما در اینجا، مسیح اثرات سقوط آدم را معکوس می‌کند. به نظر می‌رسد ایرنائوس موضوعی را که در واقع در ایده کفاره پولس تلویحاً وجود دارد، صریحاً بیان کرده است. او در افسسیان ۱:۱۰ چهار ارجاع دارد و به تصویر خدا توجه دقیقی می‌کند.

او همچنین کفاره را به عنوان پیروزی بر قدرت‌های شیطانی به تصویر می‌کشد. تم مسیح ویکتور از قبل بنابراین، او چیزی شبیه به الوهیت دارد.

در این مورد بیشتر توضیح خواهم داد. این به معنای مشارکت در طبیعت الهی است، نه خدا شدن یا چیزی شبیه به آن. اما دوم پطرس ۱:۴، سهیم بودن در طبیعت الهی.

او مسیح ویکتور، موتیف پیروزی، و این تکرار را دارد. حداقل دو چیز در تکرار دخیل است. یکی اینکه مسیح هر عصری را تکرار می‌کند.

ایرنیوس تفسیر یوحنا ۸ را اشتباه فهمیده بود، جایی که مخالفان عیسی گفتند: «ابراهیم، از دیدن روز من شاد باش.» آنها گفتند: «تو هنوز ۵۰ سال نداری.» تو ابراهیم را دیدی.

ایرنیوس گفت که عیسی حدود ۵۰ سال عمر کرد. این کاملاً با طرح او مطابقت دارد. ببینید، عیسی دوران کودکی را تقدیس کرد.

و بعد دوران نوجوانی. بله، من گفتم که عیسی دوران نوجوانی را تقدیس کرد. می‌دانم که این برای شما باورنکردنی است، اما ممکن است.

عیسی جوانی را تقدیس کرد. او پیری را برای آنها تقدیس کرد. ۵۰ سالگی، پیری خواهد بود.

یعنی، او با موفقیت، در جایی که آدم شکست خورده بود، در هر عصری در خداترسی پایدار ماند. به این تکرار می‌گویند. او همچنین نژاد بشر را به طور نمونه خلاصه کرد.

در حالی که آدم، پدر اول ما، سقوط کرد، آدم دوم و آخر موفق شد. او پیروز شد و ما در پیروزی او شریک هستیم. در سخنرانی بعدی خود، الهیات تاریخی خود را در مورد کار مسیح ادامه خواهیم داد.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۳، مقدمه، بخش ۳، تفسیر کتاب مقدس، ادامه اشعیا ۵۳، رومیان ۳: ۲۵-۲۶، و تاریخچه دکترین کفاره است.